



کتابخانه زندگی

این مقاله پیشین و در ادامه بررسی معماری مدرسه‌های کارآمد اشاره شد که وجود یک کتابخانه به‌عنوان فضای ویژه کتاب و کتاب‌خوانی و هر فعالیت مرتبط با کتاب‌های آن، که همیشه زنده و در دسترس باشد و به روش‌های گوناگون در ارتباط با متن مدرسه قرار گیرد، برای هر مدرسه‌ای بسیار ارزشمند است و به کارآمدی آن می‌افزاید. در این مقاله، سخن را با این پرسش آغاز می‌کنیم که کارآمدی کتابخانه مدرسه تا چه اندازه‌ای به کتابخانه‌ای با کتاب‌های کاغذی واقعی یا کتاب‌های الکترونیکی مجازی وابسته است؟ کتابخانه‌ای با قفسه‌های پر از کتاب کاغذی که بتوان کتاب‌های آن را در دست گرفت و با دست ورق زد و مطالعه کرد، یا کتابخانه‌ای که به روش‌های گوناگون کتاب‌های الکترونیکی را در اختیار قرار می‌دهد و می‌توان با مشاهده مطالب کتاب روی صفحه نمایش رایانه یا هر نوع صفحه نمایش دیگر، به بررسی و مطالعه پرداخت.

این توجه به تنوع دیدگاه‌ها در انتخاب و مطالعه کتاب الکترونیکی یا کاغذی، به عینیت کشاندن محتوای مطالعه کتاب‌ها در محیط کتابخانه به شکل‌های گوناگون آن و تأثیر آن در معماری محیط کتابخانه است که به کارآمدی بیشتر کتابخانه یک مدرسه می‌انجامد. حال می‌توان گفت، این سخن که در دنیای امروز با توجه به تسلط روزافزون دیجیتالیزم بر همه اجزای زندگی بشری، دیگر کتابخانه با کتاب‌های کاغذی معنا و مفهوم دارد یا ندارد، تأثیر چندانی بر کارآمدی کتابخانه مدرسه، با نگاه واقع‌گرایانه، ندارد و تلاش برای پاسخ به این سؤال، ما را از نیازهای واقعی کتابخانه‌های مدرسه‌ای دور می‌سازد و ما را به پیچیدن در فرعیات محکوم می‌کند. موضوع اصلی این است که دانش‌آموزان استفاده کننده از کتابخانه، چه کتاب مجازی بخوانند و چه کتاب واقعی، به چه نحوی شرایطی را در همان محیط مطالعه پیدا کنند که بتوانند به سوی یادگیری رشد کنند و محتوای کتاب را درک و حتی تجربه کنند یا محتوای واقعی برای ارائه و نشر آن به دیگر دانش‌آموزان داشته باشند، به‌صورتی که با تجربه خلق و ساختن یا نمایش محتوای کتاب‌ها، ضمن درک عمیق‌تر و ملموس‌تر، یافته‌های مطالعات خود را با دیگر دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند. در اینجا نقش معلمان مدرسه در انتخاب کتاب‌ها و طراحی مراحل و روش‌های گوناگون استفاده از آن‌ها بسیار اهمیت پیدا می‌کند و معماران تنها به کمک نظرات تخصصی معلمان است که می‌توانند کتابخانه

در اینجا اینکه کدام گزینه بهتر است، موضوع اصلی ما نیست. همه می‌دانیم که به دلایل گوناگون، در ترجیح بین کتاب کاغذی و کتاب الکترونیکی اختلاف نظر وجود دارد. بعضی با کتاب کاغذی ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و علاقه‌مندند ضمن ورق زدن صفحات آن با دست، صفحه به صفحه کتاب را لمس و مطالعه کنند. بیشتر این افراد تجربه خوبی از مطالعه کتاب در انواع صفحه نمایش ندارند و مطالعه کتاب الکترونیکی را با خستگی چشم یا گم کردن سطرهای متن کتاب در حین مطالعه یا مشکلات دیگری آن‌ها را درگیر می‌داند. اما عده دیگری هم هستند که به خلاف دسته نخست، کتاب الکترونیکی را ترجیح می‌دهند. این افراد، جلوگیری از قطع درختان بیشتر برای تولید کاغذ تا سهولت در دستیابی به کتاب الکترونیکی و همچنین حمل و نقل آسان را از دلایل اقبال به این نوع کتاب‌ها می‌شمارند. بنابراین، همان‌گونه که همه می‌دانیم، بدیهی است در این زمینه

اختلاف نظر وجود دارد. اما آیا کارآمدی یک کتابخانه به این دو نوع نگاه و اختلاف نظر بستگی دارد یا مستقل از آن‌هاست؟ کاملاً روشن است که معماری کتابخانه مدرسه باید این اختلاف را به بهترین شکل پاسخگو باشد و دسترسی و مطالعه هر دو نوع از کتاب‌ها را امکان‌پذیر گرداند. اما به نظر نمی‌رسد کتابخانه کارآمد با الکترونیک شدن کتاب‌ها یا برعکس آن شکل پذیرد. تعریف ما از کارآمدی فضاها در مدرسه این بود که فضاهای حمایت‌کننده و تسهیلگر یادگیری دانش‌آموزان کارآمدند. با این حساب، چه کتاب کاغذی باشد و چه الکترونیکی، چه واقعی و چه مجازی، باید در خدمت یادگیری باشد و در نهایت به واقعیت‌هایی از جنس مشاهده، تجربه، به اشتراک‌گذاری یافته‌ها و چه بسا خلق و ساختن منجر شود که واقعی‌تر از واقعی هستند؛ حتی اگر این تولید واقعی از یک کتاب الکترونیکی و کتابخانه مجازی آغاز شده باشد. به بیان دیگر، مهم‌تر از

در اینجا اینکه کدام گزینه بهتر است، موضوع اصلی ما نیست. همه می‌دانیم که به دلایل گوناگون، در ترجیح بین کتاب کاغذی و کتاب الکترونیکی اختلاف نظر وجود دارد. بعضی با کتاب کاغذی ارتباط بهتری برقرار می‌کنند و علاقه‌مندند ضمن ورق زدن صفحات آن با دست، صفحه به صفحه کتاب را لمس و مطالعه کنند. بیشتر این افراد تجربه خوبی از مطالعه کتاب در انواع صفحه نمایش ندارند و مطالعه کتاب الکترونیکی را با خستگی چشم یا گم کردن سطرهای متن کتاب در حین مطالعه یا مشکلات دیگری آن‌ها را درگیر می‌داند. اما عده دیگری هم هستند که به خلاف دسته نخست، کتاب الکترونیکی را ترجیح می‌دهند. این افراد، جلوگیری از قطع درختان بیشتر برای تولید کاغذ تا سهولت در دستیابی به کتاب الکترونیکی و همچنین حمل و نقل آسان را از دلایل اقبال به این نوع کتاب‌ها می‌شمارند. بنابراین، همان‌گونه که همه می‌دانیم، بدیهی است در این زمینه



تجربه محور مبتنی بر مشاهده، ساختن و نمایش دادن محتواهای کتابها را طراحی کنند. با این نگاه، طراحی محیط کتابخانه به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که زمینه بهتری برای دوخت و دوز محتوای کتابها با دنیای واقعی فراهم شود. اما چگونه؟

← می‌خواند و می‌سازد

امید در کتابخانه مدرسهای مشغول مطالعه کتابی است. این کتاب در دسته کتابهای کارگاهی کتابخانه است که معلم فیزیک امید آن را معرفی کرده است. در این کتاب، به سازه‌های اشاره و چگونگی ساخت و آزمایش تحمل بار آن بیان شده است. امید در حین مطالعه متوجه می‌شود بر گه‌ای پشت جلد این کتاب چسبانده شده که رویش نوشته است: «دانش آموز گرامی و تلاشگر، مطالب فصل‌های سوم تا پنجم این کتاب را می‌توانی در کارگاه کوچک متعلق به این کتابخانه، به شکلی واقعی، تجربه و لمس کنی.» پس از قدری مطالعه، امید کتاب را برمی‌دارد و در گوشه کتابخانه مدرسه، وارد کارگاه کوچک کتابخانه می‌شود. او با ابزاری که پیش از این در محل کارگاه موجود بوده است، مشغول ساخت یکی از آن سازه‌ها می‌شود. به این ترتیب، محتوایی که امید می‌خواند، به عالم واقعی راه می‌یابد.

یکی از خانه‌های موجود در گلدان، بذر آن گیاه را می‌کارد و پس از پنج هفته، نتیجه رشد گیاه در چهار هفته پیش از آن را به صورت مستند تولید می‌کند. مریم اکنون خیلی بهتر از مشاهده تصویرهای کتاب به واقعیت‌های اشاره شده در کتاب نزدیک شده است.

← تجربه کردن مطالعات

سجاد با خود می‌گوید، بهتر است برای مطالعه کتابی که هفته قبل معلم شیمی ام آن را معرفی کرده است، به کتابخانه بروم. بعد از اینکه مقداری از کتاب را مطالعه می‌کند یاد صحبت‌های معلمش می‌افتد که گفته بود شما می‌توانید در آزمایشگاه کوچک متعلق به کتابخانه، محتوای مطالب کتاب را تجربه و آزمایش کنید. او به کناری از کتابخانه که کف آن برخلاف سایر فضاهای موقت یا فرش شده، با سرامیک کف‌سازی شده و کفش‌های مخصوص دارد، وارد می‌شود. سجاد با این امکان، بین آنچه می‌خواند و آنچه می‌بیند و تجربه می‌کند، ارتباطی واقعی مشاهده می‌کند.

← مطالعه شعر و موسیقی

مصطفی در اوقات فراغت خود به شنیدن موسیقی سنتی و خواندن اشعار ناب فارسی علاقه دارد. معلم ادبیات مصطفی، با همکاری معلم رایانه، نرم‌افزاری را تولید کرده و در کتابخانه قرار داده است که اشعار و بعضی از محتواهای هر یک از کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و حتی بعضی از کتاب‌های شعر غیر درسی را با استفاده از موسیقی سنتی ایرانی، به شکلی هنرمندانه، بازخوانی کرده است. او با این روش از مطالعه کتاب لذت بیشتری می‌برد و نحوه صحیح خواندن اشعار را می‌آموزد.

← قصه‌گویی در کتابخانه

امان از آقا مسعود که هر وقت داستانی تعریف می‌کند، آن قدر جذاب و به اصطلاح «رنگی» این کار را می‌کند که همه را به خود جذب می‌کند. اما او چندان اهل مطالعه نیست. معلم آقا مسعود به فکر می‌افتد با همین علاقه‌ای که در مسعود می‌بیند، او را به کتاب و کتابخوانی علاقه‌مند کند. با همکاری مسئولان کتابخانه، بخشی از

← باغچه کتابخانه

مریم به گل و گیاه علاقه دارد. معلم علوم که از علاقه او به گیاهان مطلع است، به او و دوستانش کتابی معرفی می‌کند. در آن کتاب که می‌تواند «گیاهان چهار هفته‌ای» نام داشته باشد، برخی گیاهان معرفی شده‌اند که در شرایط تعریف شده در کتاب، روند رشد آنها در چهار هفته تبیین و تشریح شده است. به ابتکار معلم علوم مدرسه، در فضای نیمه‌بازی که به کتابخانه تعلق دارد، گلدان چهارخانه‌ای وجود دارد که در واقع مثل یک گلدان چهار قسمتی عمل می‌کند. مریم با سایر امکانات موجود در آن فضا، در چهار هفته و هر هفته در



کتابخانه را به سکوی نمایش که شاید محلی برای شاهنامه‌خوانی یا بیان هر نوع داستان دیگری باشد، تبدیل می‌کند. مسعود را تشویق می‌کند کتاب‌های داستانی اصیل فارسی را مطالعه کند و آن‌ها را در محل مخصوص و ساعات مخصوص خود در کتابخانه ارائه دهد؛ به‌گونه‌ای که این برنامه هفته‌ای دو یا سه بار، با اعلام قبلی، در زمان محدود برقرار می‌شود تا مزاحمتی برای مطالعه کتاب در محیط کتابخانه شکل نگیرد. مسعود با این کار موفق می‌شود هفته‌ای یک یا دو کتاب بخواند و محتوای آن‌ها را برای دیگران بازگو کند. چه بسا این روش به ترغیب به کتاب‌خوانی در بقیه دوستان او هم منجر شود.

← کتابی که فیلم می‌شود!

زینب عادت جالبی پیدا کرده است. او دوست دارد هر موضوعی را که در نظرش جالب توجه است، به صورت فیلم کوتاه به نمایش درآورد. روزی این علاقه زینب ایده‌ای را در ذهن معلم او می‌پروراند. معلم زینب پیشنهاد می‌دهد که در گوشه‌ای از کتابخانه، فضایی مجهز به رایانه، هدفون و سایر امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ساخت فیلم کوتاه قرار گیرد.

او از دانش‌آموزانش می‌خواهد روح پیام و چکیده محتوای هر کتابی را که از کتابخانه مدرسه مطالعه می‌کنند، در یک فیلم کوتاه حداکثر پنج دقیقه‌ای ارائه کنند. زینب و دوستانش اولین افرادی هستند که تعدادی از کتاب‌های کتابخانه را در میزهای مخصوص فیلم‌سازی در آن کتابخانه، به این روش هنرمندانه، به دیگران معرفی می‌کنند.

← ورزشگاه در قفسه‌های کتابخانه

مجید مشغول خواندن کتابی درباره آموزش تنیس و معرفی مشاهیر این رشته ورزشی است که ناصر وارد کتابخانه شد و متوجه این موضوع شد. ناصر از معلم ورزش خود شنیده بود در فضایی در مجاورت کتابخانه، امکانات شبیه‌ساز ورزشی که بسیاری از نوجوانان امروز از آن‌ها باخبرند وجود دارد. این هفته هم ورزش تنیس به صورت شبیه‌سازی اجرا می‌شود. به این صورت تجربه تحرک و ورزش تقریباً واقعی درمقابل مشاهیر این ورزش، البته به شکلی مجازی، برای مجید و ناصر امکان‌پذیر می‌شود.

← بازی با ریاضیات در کتابخانه

فاطمه وقتی با کتاب‌های ریاضی ارتباط

بهتری برقرار می‌کند که بازی‌های ریاضی مرتبط با آن‌ها را تجربه کند. در کتابخانه مدرسه فاطمه، در اطراف قفسه‌های کتاب‌های ریاضی، چندین میز وجود دارد که بازی‌های متنوع ریاضی روی آن‌ها قرار دارند و هر از چندی نو می‌شوند. فاطمه با این امکانات تجربه بهتری از ارتباط با واقعیت‌هایی در ریاضیات به دست می‌آورد.

← کتابخانه و حفظ و قرائت قرآن

حسنا به حفظ قرآن علاقه دارد. او بهترین جا برای حفظ قرآن را کتابخانه مدرسه می‌داند. نه برای اینکه سکوت دارد، بلکه چون در کتابخانه محلی مجهز به دستگاه‌های کوچکی وجود دارد که امکان تصحیح تلاوت و حفظ او با تکرار آیات را به میزانی که کاربر تعریف می‌کند، مهیا می‌سازد. او در کتابخانه مدرسه در حفظ آیات قرآن احساس پیشرفت می‌کند.



شاید بتوان ایده‌ها و تصویرهای دیگری هم در این باره خلق کرد؛ هر چند ممکن است جمع همه این ایده‌ها در یک کتابخانه مشکل باشد، اما با ذکر همین موارد می‌توان پذیرفت که این نگاه و رویکرد، کاملاً شدنی است. حتی در مدرسه‌های در منطقه محروم هم می‌توان بعضی از ایده‌ها را پیاده کرد. بیش از همه عناصر آفریننده در چنین کتابخانه‌هایی، این معلمان خلاق هستند که نقش دارند. معماران و طراحان مدرسه‌ها، آفریننده محیط‌های روی‌دهنده ایده‌های ارزشمند معلمان مبتکر هستند. انتخاب کتاب، تأمین تجهیزات، لوازم و برنامه‌های مرتبط با محتوای کتاب‌ها و در نهایت هم‌فکری و مشورت با معمارانی که باید در گوشه و کنار کتابخانه فضایی را خلق کنند تا زمینه خلق، ساختن یا مشاهده محتوای کتاب‌ها توسط دانش‌آموزان شکل گیرد، همگی حاصل خلاقیت و اندیشه‌های ناب معلمان هوشمند و خلاق است. در چنین شرایطی، کتابخانه به اوج کارآمدی خود می‌رسد و به واقع می‌تواند بیش از هر فضایی در مدرسه شایسته آن شود که قلب تپنده مدرسه نامیده شود.

